

## بررسی سبک شعر مجد همگر شیرازی از دیدگاه مسائل ادبی

(ص ۲۷۰ - ۲۵۵)

محمدحسین کرمی<sup>۱</sup>، روح‌الله خادمی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱/۲۵

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۳/۲۰

### چکیده

مجدالدین همگر شیرازی (۶۰۷ - ۶۸۶ هـ ق)، از شعرای معروف ایران در سده هفتم هجری است. او شاعری را در دربار اتابکان فارس آغاز کرد و پس از برافتادن سلغریان، چندی را در خدمت قراختاییان کرمان به مداحی سپری کرد و در آخر به خاندان جوینی در اصفهان پیوست و پس از زوال آنان در تنهایی درگذشت. دیوان چاپی او حاوی ۶۲۰۱ بیت و شامل قصاید، غزلیات، ترکیببندها، قطعات و رباعیات است.

سؤال اصلی این پژوهش آن است که جایگاه و نقش مجد همگر در تغییر و تحولات سبکی قرن هفتم چیست و شعر او در کدامیک از تقسیم‌بندیهای متداول سبک شعر فارسی جای میگیرد. برای پاسخ به این سؤال، ویژگیهای شاخص ادبی شعر مجد همگر که به نوعی تعیین‌کننده سبک شخصی اوست، برای بررسی انتخاب شده و مباحثی مانند صور خیال، صنایع بدیع معنوی، تصویرسازیها و قالبهای شعری دیوان مجد همگر مورد تجزیه و تحلیل سبکی قرار گرفته است. به طور کلی در پاسخ به سؤال پژوهش، میتوان شعر مجد همگر را ادامه سبک دوره سلجوقی دانست که در قرن هفتم نیز به حیات خود ادامه داده و جنبه‌هایی از شعر او مثل غزل و رباعیاتش در تکوین شعر فارسی مؤثر بوده است. سبک سلجوقی، سبک بینابین خراسانی و عراقی است که هم در دوره سلجوقیان و هم در دربارهای ملوک الطوائفی پس از فروپاشی سلاجقه، مورد توجه و اهتمام شعرای مدیحه‌سراست.

### کلمات کلیدی

مجد همگر، سبک شعر، ویژگیهای ادبی

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز: rkhademi61@gmail.com

### مقدمه

خواجه مجدالدین هبه‌الله بن احمد (یا محمد) همگر معروف به مجد همگر شیرازی (۶۰۷ - ۶۸۶ هـ.ق.) از شاعران پرآوازه قرن هفتم است که سالهای متمادی از عمر خود را در خدمت پادشاهان سلغری فارس گذرانده و آنان را مدح گفته و سمت ملک‌الشعرائی داشته است. او پس از فروپاشی حکومت اتابکان فارس، به قراختائیان کرمان و پس از آن به خاندان جوینی در اصفهان پیوسته است و پس از زوال غم‌انگیز جوینیان، در تنهایی و بی‌کسی در اصفهان درگذشته است. دیوان وی چاپ شده و حاوی مطالب ارزشمندی در باب مسائل ادبی و اجتماعی قرن هفتم هجری است.

نقش و حرمت ویژه مجد همگر در جامعه شعری عصر خود که ملک‌الشعرائی او مؤید آن است، محقق را برآن می‌دارد تا با مطالعه دیوان او، به چرایی این جایگاه پی ببرد. سؤال و انگیزه اصلی پژوهش سبک‌شناسانه پیش رو نیز همین بوده است. شیوه پژوهش، کتابخانه‌ای و منبع اصلی تحقیق، دیوان مجد همگر طبع احمد کرمی است. تاکنون مقاله‌ای پیرامون سبک شعر مجد همگر ثبت نشده و ملاحظات سبک‌شناسانه محققان از قدیم‌الایام تاکنون در جوف تحقیقات آنان پراکنده است.

### پیشینه تحقیق

بحث در سبک شعر مجد همگر از روزگار خود او مرسوم بود. سید ذوالفقار شروانی (وفات: ۶۷۹ هـ.ق.)، از جمله ادبایی است که شعر مجد را مورد تحلیل سبکی قرار داده است:

مجد معشوق که فرزند و مرتبای من است	نور چشم هنر و زبده اقران باشد
گرچه بر طرز عراق است ضمیرش مشعوف	در سخن خجالت ابنای خراسان باشد
زین سخنها غرض بنده شکست او نیست	کو وحید است و به از بنده فراوان باشد
ورنه این نظم که او دارد و طرزى که وراست	شاعران را همه پیرایه دیوان باشد
لفظ آراسته و معنی پیراسته‌اش	غیرت نابغه و خجالت حستان باشد

(دیوان ذوالفقار: ۱۶۴ و ۱۶۵)

«مجد معشوق»، تعبیری است که ذوالفقار درباره مجد همگر به کار برده و ظاهراً به دلیل علاقه‌ای که به او داشته، چنین از وی یاد میکند و او را در شعر عراقی قویتر از شعر خراسانی میدانند. بر این اساس، ذوالفقار شروانی، معاصر مجد همگر، اولین کسی است که دست به نقد سبک‌شناسانه او زده است. سخن ذوالفقار چند نکته را گوشزد میکند: نخست اینکه مجد هم در شیوه خراسانی (قصیده و قطعه) و هم در شیوه عراقی (غزل، ترکیب بند و

رباعی) شعر سروده و به تجمیع این دو سبک در دیوانش مشهور بوده، دودیدگر اینکه در قرن هفتم سبک عراقی کاملاً شناخته شده و جدا از سبک خراسانی محسوب می‌شده است، سه‌دیگر اینکه اگر شاعری «لفظ آراسته» و «معنی پیراسته» داشته باشد، میتواند وحید عصر باشد و مهم نیست که در کدام سبک شعری می‌گنجد.

در طول تاریخ نیز تذکره‌نویسان درباره شعر او اظهارنظرهایی کرده‌اند. ابن فوطی او را جامع فنون دانسته: «و له دیوان حسن فی جمیع الفنون.» (تلخیص مجمع الاداب فی معجم اللقب، ابن فوطی، ج ۴: ۵۴۷)

محمد مفید مستوفی بافقی می‌گوید: «دیوان مجد از قصاید و غزلیات مشهور است و ابیات بلاغت آیاتش در السنه و افواه مذکور.» (جامع مفیدی، مستوفی بافقی: ۴۲۲). تقی‌الدین اوحدی می‌گوید: «نظمش از گهر لعل بتان پرآب و تابتر و خطش از سلسله مشک خطا پرپیچ و تابتر است.» (تذکره عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، اوحدی بلیانی، ج ۵: ۳۲۸۵)

او، مجد همگر را «سناج قماش بیان و رفیع کارگاه معانی» لقب داده است. (همان، ج ۶: ۴۱۲۰) آذر بیگدلی می‌گوید: «به زعم فقیر شاعری ایشان مانع ندارد.» (تشکده آذر، آذر بیگدلی: ۲۱۶) مؤلف خزانه عامره او را «شاعری زبردست» دانسته است. (خزانه عامره، آزاد بلگرامی: ۴۰۱) میرحسین دوست سنبهلی او را «رفوگر پشمینه بذله سنجی و سخن‌سازی» لقب داده. (تذکره حسینی، دوست سنبهلی: ۳۱۰) صاحب تذکره روز

روشن مینویسد: «در اکثر علوم عموماً و در علم ادب و شعر خصوصاً از مستعدان روزگار بود.» (تذکره روز روشن، صبا: ۷۱۴) یان ریپکا می‌گوید: «وی شاعری چیره دست بود و شعرش به

داشتن اندیشه‌های دقیق و حساس ممتاز است، و رباعیات او که دارای مضامین و بیان متنوع می‌باشد و بیشتر مضامین عاشقانه دارند تا حکمی و اجتماعی، از زیبایی خاصی برخوردارند.» (تاریخ ایران، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، بویل: ۵۶۷) سعید نفیسی گوید: «مجد همگر در غزل و قصیده مهارت تام داشته.» (تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، نفیسی: ۱۶۲)

ذبیح‌الله صفا مینویسد: «وی خواه در قصاید و خواه در غزلها و رباعیهای خود غالباً سخن سهل و روان و برگزیده و منتخب دارد. اندیشه‌های باریک و مضمونهای دقیقش قابل توجه و عنایت است و در میان ترانه‌های لطیف متعدد عاشقانه‌اش گاه به مضامین حکمی و اجتماعی نیز میتوان بازخورد.» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۳/۱: ۵۳۵) نائل خانلری هم معتقد است: «شاعری پرمایه و لطیف طبع بوده است.» (هفتاد سخن، خانلری: ۱۸۰)

مجد همگر خود نیز ملاحظات سبک‌شناسی داشته و مثلاً در مقام مقایسه «طرز» ظهیر و انوری استدلالی سبک‌شناسانه کرده است:

شعر ظهیر اگرچه سرآمد ز جنس نظم با طرز انوری نزنند لاف همسری

(دیوان: ۶۵۲)

او اصطلاح «طرز» را در معنی «سبک» در جای دیگر هم به کار برده است:  
خدا یگانا در طرز مدحتت آنم که نفس ناطقه بر نطق من شود مفتون  
(دیوان: ۳۱۲)

و:

شهان سلغری از عشق طرز من در خاک به دست واقعه بر خود همی‌درند کفن  
(دیوان: ۳۳۱)

مجد از شعر به «برانگیختن معانی» تعبیر میکند، تعبیری که به نگاه شکلوفسکی از شعر  
یعنی «رستاخیز کلمات» بسیار نزدیک است:  
من برانگیزم معانی هین که یابد رمز این من بپردازم سخن هان تا که داند سر آن  
(دیوان: ۳۴۷)

### بحث

در این جستار ویژگی‌های ادبی شعر مجد همگر را بررسی کرده‌ایم. از آنجا که مجد همگر از  
بزرگترین شعرای عصر خویش بوده و خود معیاری برای سنجش اشعار دیگران به شمار  
میرفته، نیکوست سبک شعر او که سبک ممتاز عصر و جامعه او نیز محسوب می‌شده،  
بازشناسی و معرفی گردد.

### زیبایی‌های بیانی

محققان، نقش تشبیه و استعاره را شکل‌گیری سبک شعر بسیار مهم تلقی کرده‌اند. شمیسا  
میگوید: «مطالعه تحول و تکامل تشبیه و استعاره، یکی از مباحث مهم و راهگشای  
سبک‌شناسی است که می‌توان به آن سبک‌شناسی صور خیال گفت. از شاعران معروفی که  
در تبدیل سبک خراسانی به عراقی نقش داشته‌اند یکی ازرقی و دیگری ابوالفرج رونی است.  
ازرقی به تشبیهات خیالی پرداخته ... و در اشعار ابوالفرج رونی بوفور به استعاره مکنیه  
تخیلیه برمیخوریم ... همین طور تازگی سخن عمیق و انوری و مسعود و دیگر اساتید قرن  
ششم که سبک خراسانی را به طرف سبک عراقی سوق دادند در تشبیهات و استعارات آنان  
است.» (بیان، شمیسا: ۲۹ و ۳۰). ازین رو، بررسی وضعیت تشبیه و استعاره در دیوان مجد همگر  
بایسته است.

تشبیه: بیشترین آرایه‌های بیانی در دیوان مجد همگر تشبیهات هستند. بالاترین بسامد  
تشبیه نیز مربوط به تشبیه بلیغ است؛ مانند جام لبان و لعل لب در بیت زیر:

در جام لبان چاشنی از قند فکندی      تا لعل لب ت تلخی گفتار نگیرد  
(دیوان: ۲۱۸)

موارد دیگر، تشبیه تفضیل و مضمّر است که این دو در بیشتر موارد با هم آمده‌اند. مجد به این نوع از تشبیهاتی که خود ساخته، اشاره کرده است:  
نه شکر گویم لبش را نه سمن خوانم برش      کاین دو را با آن لب و بر نیست تشبیهی تمام  
(دیوان: ۴۵۱)

و:

تشبیه روییت با حور کردم      او خود کدام است تو خود کدامی  
(دیوان: ۴۶۱)

انواع دیگر تشبیه، تشبیه مرسل است که تقریباً در شعر مجد فراوان است: نقاب  
خضاب‌گون (۱۷۳ / ۳)، لب چو عقیق (۱۷۳ / ۵)، چشم آهووش (۴۳۶ / ۱۲)، رخ دینارگون  
(۴۴۷ / ۸)، عارض مهوش (۴۱۸ / ۹)

استعاره: از بین انواع استعاره، مجد بیشتر به استعاره مصرّحه گرایش دارد. استعارات  
مکنیه نیز در شعر او فراوان است که به صورت اضافه استعاری و تشخیص نشان داده  
میشوند؛ مانند لب هنر و رخ خرد در بیت زیر:  
لب هنر ز قبولت شود چو گل ز نسیم      رخ خرد ز مدیحت چو ارغوان از نم  
(دیوان: ۲۹۸)

### صنایع بدیع لفظی

مجد شاعری صنعت‌پرداز است و به آرایه‌ها و زیباییهای لفظی و معنوی بیشترین توجه را  
نشان داده و کمتر بیتی را در دیوان او می‌بینیم که ازین آرایه‌ها خالی باشد. اما این توجه،  
هرگز به افراط کشیده نشده و جز در برخی موارد استثنایی، این آرایه‌ها در روابط زنجیره‌ای  
کلام بخوبی نشسته و تکلفی در آنها مشاهده نمیشود.

موازنه و ترصیع: بیشترین بسامد آرایه‌های لفظی مربوط به موازنه است که گاهی این  
موازنه‌ها به ترصیع نیز نزدیک میشوند.

رفعت نگر که پایه دین عرب بیافت      رونق بین که عرصه ملک عجم گرفت  
(دیوان: ۱۹۴)

حذر ای عاقلان غافل‌وار      حذر ای جاهلان غفلت‌کار  
(دیوان: ۲۵۴)

انواع جناس: جناس نیز در دیوان مجد بسامد بالایی دارد و انواع جناس اعم از جناس مرکب، تام؛ ناقص، قلب، اشتقاق و... در دیوان او به چشم می‌خورد:  
جناس تام:

خِلاف عهد نمانده است هیچ در عهدش بجز خِلاف بساتین که می‌نگردد کم  
(دیوان: ۲۹۷)

جناس اشتقاق (اقتضاب):

کلکم ز دست بستد تیر حسود طبع بر من کمین گشاد سپهر کمان مثال  
(دیوان: ۲۸۵)

جناس قلب کل:

بر آینه از صورت جان نقش نباشد تو آینه روح و ش حور لقایی  
(دیوان: ۳۷۷)

تکرار: بحث تکرار شامل آرایه‌های زیر است:

الف. واج‌آرایی: این آرایه که به دو گونه همصدایی و همحروفی تقسیم می‌شود نیز بر موسیقی کلام مجد افزوده است. در بیت زیر تکرار صامت «ا» باعث همصدایی زیبایی شده است:

دلبرا برکش نوا با ناله زارم بساز چنگ در بر گیر و آهنگی که من دارم بساز  
(دیوان: ۴۴۲)

در بیت زیر تکرار صامت «د» و «ر» مخصوصاً در مصراع دوم بر زیبایی بیت افزوده است که ازین آرایه تحت عنوان همحروفی نام برده می‌شود.  
بیدادگر مباحث که بر تخت مملکت دارای دور و داور کیهان نشسته است  
(دیوان: ۲۰۳)

ب. تکرار واژه که مشخص‌ترین نمود آن، اعنات یا التزام است. شاعر در غزل‌های صفحه ۴۲۰ و ۴۳۸ کلمه «چشم» را التزام کرده است. این اعنات باعث شده که غزلها به تکلف گراییده و در نتیجه معنا فدای صنعت‌سازی شود. این دو غزل تنها به سبب وجود صنعت التزام قابل توجهند و از نظر معنایی ضعیف هستند.

### آرایه‌های بدیع معنوی

غلو: چنان که میدانیم اغراق، مبالغه و غلو لازمه مدح است. هم مدح ممدوح که در قصیده تجلی می‌یابد و هم مدح معشوق که در غزل متجلی میشود، بر اساس غلو شکل میگیرند تا تأثیری افزونتر بر مخاطب بگذارند:

به جیب چرخ برافراختم سر و دیدم سپهر نقطه وهمی به جنب قدر نجیب  
(دیوان: ۱۸۲)

شاعر در بیت بالا آسمان را مانند نقطه موهومی در قیاس با بزرگی ممدوح دانسته است. مراعات نظیر نیز از صنایع مورد علاقه مجد است، به عنوان نمونه تناسبی که بین عناصر اربعه (۹ / ۱۷۶)، اصطلاحات جنگی (۲ / ۱۷۱)، عشاق معروف (۴ / ۱۷۵، ۱ / ۴۷۷)، زیور آلات (۷ / ۳۶۸) برقرار کرده است.

یکی از بدایع رباعیات مجد همگر، رباعی است که در واقعه قتل شمس‌الدین محمد جوینی سروده و در آن، آرایه مراعات نظیر را به کمال رسانده و بواسطه آن شهرت بسیار یافته است:

در ماتم شمس از شفق خون بچکید مه چهره بکند و زهره گیسو ببرید  
شب جامه سیاه کرد ازین ماتم و صبح بر زد نفس سرد و گریبان بدرید  
(دیوان: ۷۳۵)

به گفته دولت‌شاه سمرقندی «شیخ بزرگوار سعدی علیه‌الرحمه، چون این رباعی را بشنود، گریان شد و بر روح خواجه دعای خیر گفت و خواجه مجد را تحسین نمود» (دولت‌شاه سمرقندی، تذکره الشعراء، ص ۱۰۶). فخرالدین علی صفی می‌گوید: «شعرای متأخرین اتفاق دارند که هیچ شاعری از متقدمین و متأخرین در مرثیه اکابر مثل این رباعی نگفته است.» (لطایف الطوائف، صفی: ۲۶۰) مجد همگر در این رباعی از عناصر تصویری مرتبط با «شمس» که به لقب شمس‌الدین جوینی تلمیح دارد، مثل شفق و ماه و زهره و شب و صبح، و اصطلاحات مربوط به عزاداری، به زیبایی استفاده کرده است. در زیر بعضی دیگر از صنایع معنوی مورد علاقه مجد به اختصار ذکر میگردد.

### ارسال‌المثل

هنر که زاد ز من شد وبال هستی من بلی وبال عقاب آمده است پر عقاب  
(دیوان: ۱۷۹)

### تضاد

عمرم سبک عنان شد و هجرت گران رکاب  
زان دل سبک شده است ز زلف  
(دیوان: ۱۹۱)

### پارادوکس

در هوس عشق تو خانه برانداخت صبر  
عقل ز دیوانگی راه بیابان گرفت  
(دیوان: ۴۰۵)

### ایهام

گهی نوای چکاوک زدی هزار آواز  
گهی ز پرده نوروز صوت کردی سار  
(دیوان: ۲۴۸)

### ایهام تناسب

بدم چون ذره پنهان در هوایت  
ز مهرت گشته ام مشهور آفاق  
(دیوان: ۲۷۶)

### تصویرسازی‌های خاص

گاه مجد همگر در ابداع صور خیالی، ابتکارات و تفنّن‌هایی به خرج داده و تصاویر بدیعی پرداخته که اگرچه خاص او نیستند، اما نشان‌دهنده نبوغ او هستند. این ابتکارات بیشتر در استفاده از لوازم تصویرسازی مثل شکل حروف الفبا، اعداد و اصطلاحات شعری بروز کرده است.

### تصویرسازی با کلمات و حروف الفبا

از مصادیق این شگرد، قصیده مدحیه‌ای که در مدح شاهزاده سعد ابن ابوبکر زنگی سروده شده است، شاعر در این قصیده با کلمه «سعد»، تصویرسازی، معماسازی و بازیهای لغوی انجام میدهد. به عنوان مثال:

حرف نخست اوست که دارد نشان فتح  
چون حرف سین سیفش در حرب بدسگال  
(دیوان: ۲۹۳)

تیغه شمشیر را به حرف «سین» کشیده تشبیه و همزمان آرایه هم‌حروفی نیز ایجاد کرده است.

نه در تنش ز زحمت کسره است هیچ رنج  
نه بر رخس ز منت نقطه است هیچ خال  
(دیوان: ۲۹۳)



در تن او (سعد) نشانه‌ای از شکست نیست همچنان‌که در کلمه سعد، کسره (-) وجود ندارد. صورت او بدون خال و کلمه سعد نیز بدون نقطه است.

تصحیف نام اوست که در ماورای نهر دارد در این جهان ز بهشت برین مثال (دیوان: ۲۹۳)

تصحیف یعنی خطا کردن در کتابت و قرائت و به اصطلاح معما تغییر کردن در نقاط و حروف به اثبات یا به محو کردن؛ چنانکه بوسه را به تغییر نقاط توشه گردانند (لغت نامه دهخدا). جواب معمای این بیت کلمه (سُغد) است که «نام شهری است از ماوراءالنهر نزدیک سمرقند. گویند آب و هوای آن در نهایت لطافت باشد و آن به سغد سمرقند شهرت دارد. آن را بهشت دنیا هم میگویند» (برهان قاطع)

مقلوب این سه حرف به هنگام ضرب و طعن باشد نصیب سینه بدخواه در قتال (دیوان: ۲۹۳)

مقلوب کلمه سعد، دعس است که به صورت دعص هم آمده است. دعس در اقرب‌الموارد «به نیزه زدن کسی را» و «به قتل رسانیدن» معنا شده است.

دندان سین و دیده عین است و زلف دال در دیده‌ها چو صورت محبوب در خیال (دیوان: ۲۹۳)

در بیت ذکر شده بالا، شاعر «کلمه» را که پدیده‌ای نوشتاری است به چهره‌ای انسانی تشبیه کرده و هرکدام از اجزای کلمه را نیز در حکم جزیی از چهره انسان تخییل نموده است. تفاوت این تصویرسازی با تشبیهات حروفی<sup>۱</sup> معهود در آن است که در اینجا کلمه «مشبه» است و مشبه به ساختگی و هنری است؛ اما در جاهای دیگر، کلمه و حروف «مشبه به» هستند و اوج هنر شاعر در تشبیه پدیده‌ها در شکل حروف و کلمات است. دو بیت زیر در وصف خطوط و نوشته‌های سفینه‌ای است که یکی از بزرگان به مجد داده است: الف برای فتوت ستاده بر هم دست چو مرد مجرم تائب بمانده در تشویر حروف منحنیه جمله در رکوع و سجود چو در هیاکل رهبان چو در صوامع پیر (دیوان: ۵۷۹)

در دو بیت زیر نیز با حروف «ه، م، ع، الف، ن» تصویرسازیهای زیبا و موجزی کرده است:

که کار بنده که چون هی و میم پر گره چنانکه هست ضمیر و دل مرا مضمون

۱. این نوع تشبیه، به تشبیه حروفی معروف است. «در این نوع از تشبیه شاعر بخشی از شکل ظاهری یکی از حروف الفبا را تجرید کرده آن را مشبه به قرار میدهد» (حاجیان نژاد، ۱۳۸۰: ۳۸۹). رودکی، فرخی، مسعود سعد، خاقانی، انوری و... ازین دست تشبیهات ساخته‌اند.

به عون عین عنایت الف صفت کن راست که باد قامت بدخواهت از کژی چون  
(دیوان: ۳۱۶)

شاید مجد یکی اولین کسی باشد که تصویر زیر را در مورد «پارس» ساخته است. او بعد از دگرگونیها و آشفتگیهای فارس بعد از پایان کار اتابکان، این‌گونه از پارس یاد میکند؛ گو اینکه همه چیز پارس دگرگون شده است؛ حتی نام آن:

اگرچه پارس پرآب است و در کنار محیط چو قلب خویش مرا داد تشنگی چو  
(دیوان: ۱۷۹)

از دیگر ظرافتهای مجد در استفاده از شکل مقلوب واژه‌ها، تبیین معنای «نادانی» است: پند نادان چه دهی زآن که دگرگون نشود از بد نفس اگر خود مه دوران باشد  
گر بگردانیش از حال دو صد بار دگر همچنان باز بدان سیرت و آن سان باشد  
خود بین صورت نادان چو نگاری به قلم چون کنی قلب همان نادان نادان باشد  
(دیوان: ۵۶۷)

### تصویرسازی با اصطلاحات شعری

مجد به آوردن اصطلاحات ادبی در شعر خود علاقه‌مند است. مثل این بیت که در آن اصطلاح «شعر مزحوف» را در جایگاه هجو به کار برده است.

به عسیری چو خط مرموزی به ثقیلی چو شعر مزحوفی  
(دیوان: ۶۵۰)

تغییرات غیر مجاز را در شعر، زحف خوانند، در مقابل زحاف که بر تغییرات جایز اطلاق کنند. (لغت‌نامه دهخدا ذیل زحف) و مزحوف اسم مفعول از زحف است. مجد گاه از فضای درون شعر بیرون می‌آید و خود را در جایگاه خالق شعر، عرضه میدارد:

اگرچه قافیه شد خرج و تنگ شد میدان ز عشق یاد کنم چند بیت وصف‌الحال  
(دیوان: ۲۹۱)

از تسلسل مقطع و مطلع ندارد مدح تو زانکه مستغنی است از آغاز و پایان داشتن  
(دیوان: ۳۲۴)

ردیف شعر عنان‌گیر و تنگ‌میدان است چنان که توسن فکر مرا حرون‌تر کرد  
(دیوان: ۲۳۰)

این علاقه‌مندی حاصل استغراق شاعر در شعر و آداب و اصول آن و قافیه‌اندیشیهای دم‌به‌دم است. طرفه اینکه در تاریخ ادب فارسی، شعرای متعلق به هر صنف و حرفه‌ای مثل

منجم، طبیب، دهقان، آهنگر، خباز، منطقی، متصوّف و ... لغات و اصطلاحات و معانی مربوط به حرفه خود را به وفور در شعر وارد کرده‌اند؛ اما شاعران کمتر به مواد کار خود اشاره کرده‌اند. با این‌همه این اشاره‌های هرچند اندک، بیگمان در مطالعه تاریخ‌شناسی کاربرد اصطلاحات شعری، سودمند هستند. بیت دوم رباعی زیر نشان‌دهنده تتبع عمیق او در قوافی است:

ای چون تو جوان نبوده در عالم پیر      چون عقل هنرجوی و چو دل عیش‌پذیر  
پرسیده‌بُدی که سرخ را قافیه چیست      همچون رخ خوب توست کش نیست نظیر  
(دیوان: ۷۵۷)

### قالبهای شعری

اشعار مجد همگر در پنج قالب شعری است. تعداد این قوالب بر اساس بیت چنین است: قصیده (۲۲۵۰ بیت)، قطعه (۱۵۶۸ بیت)، رباعی (۱۱۰۰ بیت)، غزل (۸۷۶ بیت) و ترکیب‌بند (۴۰۷ بیت)<sup>۱</sup>. همان‌گونه که مشخص است قصیده و قطعه که دو قالب شاخص سبک خراسانی هستند، بیشترین بسامد را در دیوان مجد همگر دارند. تعداد رباعیات او نیز در مقایسه با معاصرانش بالاست. تعداد غزلیات او کم (حدود ۱۰۰ غزل) و نشانگر این است که هنوز اصالت غزل را در سبک خود احساس نکرده است؛ این در حالی است که غزل، قالب و نوع ادبی برتر عصر اوست. نکته قابل ملاحظه اینکه مجد به مثنوی نپرداخته و در این مشخصه یکی از معدود شعرای قدیم است که به مثنوی گرایش نداشته‌اند. در زیر، بعضی از مواردی که در بررسی قالبهای شعری دیوان او، جَدَّاب و محلّ تأمل مینماید، معرفی شده است.

### قالبهای بدیع شعری

مجد در قصیده‌ای مقتضب، قسمی آرایش در قافیه تعبیه کرده که در نوع خود کم‌نظیر و نادر است. در این ساختار تمام مصراعهای فرد هم‌قافیه هستند البته با قافیه‌ای متفاوت با مصراعهای زوج:

فخر دارد پارس بر کلّ اقالیم زمین      از مکان چون هست کانون وداد و دین  
خسرو عادل ابوبکر آنکه رای راستان      خواندش از راست‌رایی شهریار راستین

۱. این فهرست بر اساس بخش‌بندیهای دیوان چاپ احمد کرمی است و اگرچه این تقسیم‌بندی ناقص و مغلوط است و اشعار به نظم صحیحی بخش‌بندی نشده است، چون متن دیگری در دست نیست، ناگزیر تقسیم‌بندیهای این چاپ را پذیرفتیم. امید است که در آینده، پژوهشگران دلسوز، متنی منقح از دیوان مجد همگر فراهم سازند تا تحقیقات دقیقتری را درباره او شاهد باشیم.

آن جوان‌بختی که دولت زایدش از وان جهان‌بخشی که دریا ریزدش از آستین  
(دیوان: ۳۵۰)

این روش از اختراعات قطران تبریزی است. (انواع شعر فارسی، رستگار فسایی: ۴۸۱). نوآوری مجدد در این است که بین عروض (انتهای مصراع اول) و عَجَز (انتهای مصراع دوم) تمام ابیات (بجز بیت اول)، آرایه جناس اشتقاق (اقتضاب) برقرار کرده است (تبدیل مصوت بلند «ا» به «ی»).

### آوردن تغزل در پایان قصیده و تجدید مطلع در غزل

آوردن تغزل در پایان قصیده روشی نادر است که شاعران دیگر از جمله فلکی شروانی نیز ازین شیوه استفاده کرده‌اند. مجد در پایان قصیده‌ای وقتی میخواهد شروع به تجدید مطلع کند، اینگونه قصیده را به غزل میپیوندد:

اگرچه قافیه شد خرج و تنگ شد میدان ز عشق یاد کنم چند بیت و صف‌الحال  
کجایی ای رخ تو نوبهار باغ جمال کجایی ای قد تو سرو بوستان وصال  
(دیوان: ۲۹۱)

جایی دیگر، در پایان غزلی ۱۹ بیتی تجدید مطلع کرده و غزل ۹ بیتی دیگری سروده است.

به خواب در سحری این غزل ز پرده راست سماع کرده‌ام از بلبلی فصیح کلام  
کجاست آن صنم سرود سیم اندام کجاست آن بت خورشیدروی ماه غلام  
(دیوان: ۳۰۳)

مجد همچنین جایی دیگر در انتهای یک غزل دوبار تجدید مطلع کرده است. او غزلی ۲۸ بیتی را اینچنین به غزل بعد متصل میکند:

چنان ز پرده عشاق این غزل بسرود که برگرفت ز عشاق پرده اسرار  
به وقت صبح نشیند کسی چنین بیکار مخسب ساقی برخیز و جان باده بیار  
(دیوان: ۲۴۹)

سپس غزل ۱۰ بیتی دیگری میسراید و آن را هم با استادی به غزلی دیگر میپیوندد:  
جواب داد که هین گوش دار پس برخواند بدان خوشی که ز جانم برفت صبر و قرار  
خوشا به موسم نوروز بوی باد بهار خوشا به صبحدم آواز بلبلی از گلزار  
(دیوان: ۲۵۰)

که در مجموع تعداد ابیات این قالب شعری ۴۹ بیت است. حقیقتاً نمیتوان نامی بر این قالب نهاد.

### قصیده موشح

«موشح» آن است که «در اول هر مصراع حرفی یا کلمه‌ای نگاه دارند که چون جمع کنی اسمی یا شعری یا دعائی باشد» (المعجم فی معاییر اشعارالعجم، شمس قیس رازی: ۳۹۴). مجد همگر قصیده‌ای دارد به مطلع:

خدایگان سلاطین شهنشه اعظم      امید دین عرب آرزوی ملک عجم  
(دیوان: ۲۹۶)

که از کنار هم نهادن حروف اول مصراعهای اول و دوم این قصیده، دو بیت زیر به دست می‌آید:

خسرو تاج بخش تخت نشین      شاه سلطان حق مظفر دین  
آن که دارد سپهر ترک کله      آن که دارد نجوم زیر نگین  
البته بنابر رسم الخط قدیم ب و پ، دال و ذال، ک و گ، ج و چ به جای هم به کار رفته است. این قصیده موشح و یکی از قدیمترین قصاید موشح فارسی است.

### معما سازی

سعید نفیسی در باب معما سازی‌های مجد همگر چنین مینویسد: «یکی از خصایص شعر مجد همگر آن است که وی و امامی نخستین شعرای ایرانند که معما را به طرزى که پس از آن مخصوصاً در قرن نهم بسیار متداول شده است و شعرائی مانند شریف معمایى و جامی و شرف‌الدین علی یزدی و دیگران در آن بسیار ورزش کرده‌اند، سروده‌اند و پیش از ایشان تا جایی که من جستهم در اشعار دیگران معما را بدین روش نیافته‌ام و دیگران که پیش از ایشان معما سروده‌اند به روشی دیگر رفته‌اند.» (مجدالدین همگر، نفیسی: ۱۱۲۱) در معما سازی اغلب یک کلمه مورد نظر است و معما ساز با دقت در شکل کلمه و مختصات لفظی آن به ساختن معما میپردازد. معما سازی‌های مجد به چند دسته تقسیم میشود:

الف - معما سازی با حروف ابجد: اکثر معماهای مجد همگر بوسیله حروف ابجد ساخته شده‌اند. برای نمونه معمایى که جواب آن «دهد» است نقل میشود:

مرغی که به کوه جای گیرد یا دشت      نامش به حساب جمله آمد ده و هشت  
هر چار حروف نامش ار قلب کنی      هر چند که هجده است حالی ده گشت

(دیوان: ۶۶۳)

ب- تقسیم کلمه به چند جزء توضیح هر جزء  
ز لطف شامل تو التماس من چیزی است      که از دو نام دو چیز است رفته در افواه  
نخست لفظش از اسماء دشمن تو یکی      دوم مصحف آن کو خورد به جای گیاه...  
(دیوان: ۶۵۶)

شاعر در این قطعه معمایی، از ممدوح تقاضای «خرگاه» کرده است. با تقسیم کلمه به دو جزء خر و گاه، جزء اول را از اسماء دشمن ممدوح! برشمرده و جزء دیگر را با تبدیل «گ» به «ک» (تصحیف)، خوراک همان دشمن دانسته است. نیز نگاه شود به معمای صفحه ۵۸۸ دیوان.

ج- قلب و وارونه کردن کلمه  
مرد چون قلب نام خویش اندوخت      اندر این دور محتشم گردد  
چون از این رمز گشت خالی مرد      فتح نامش ز غصه ضم گردد  
(دیوان: ۶۶۳)

که وارونه لفظ مرد، «درم» است و تبدیل فتحه کلمه «مرد» به ضمه فعل «مرد» را می‌سازد. به اعتقاد شاعر اگر مرد از این رمز (درم و مال اندوزی) دور شود، مرگ او قطعی است.

د- چیستان: در این روش، مجد با توصیف شیء یا مقصود خود که با تشبیه هیئت آن به هیئتی دیگر همراه است، معمای خود را می‌سازد:  
حصاری چیست سنگین و مدور      شبه رنگ و کمرش الماس پیکر...  
به بالای حصار ابری دخان رنگ      به زیر آن حصار انبوه لشکر...  
(دیوان: ۶۶۰)

در این قطعه با تشبیه دیگ غذا که بر روی آتش در حال جوشیدن است، به حصاری سنگی و دایره‌ای شکل، و تشبیه آتش به انبوه لشکری از رومیهای غران و سرکش، و تشبیه شعله آتش به ناوک زر و... تشبیه مرگب به مرگب گسترده و زیبایی خلق کرده است.

## نتیجه

قصاید مجد از لحاظ سبکی دنباله کار شاعران بزرگ خراسان و آذربایجان نظیر معزی، انوری، سنایی، خاقانی، ظهیر فاریابی، مجیر بیلقانی، سیدحسن غزنوی و ابوالفرج رونی است. در غزل نیز شعر او ادامه راهی است که از قرن ششم پیدا شده و در قرن هفتم به کمال میرسد و در طول این راه شاعرانی چون ظهیر، انوری، سنایی، خاقانی، جمال‌الدین اصفهانی، سیف فرغانی و سعدی قدم زده‌اند. نمونه‌های قابل توجهی از تأثر مجد همگر از این شاعران در دیوان او موجود است.

مجد در استفاده از فنون بدیع، شاعری تواناست و در دیوان او تقریباً بیتی نیست که از یکی از آرایه‌های لفظی و معنوی رایج زمان خود نظیر انواع جناس، ایهام و تکرار خالی باشد. در بحث صور خیال نیز بیشترین علاقه او به تشبیه است که بیشتر به صورت تشبیه بلیغ، تفضیل و مضمّر نمود یافته است. استعاره نیز هم به صورت استعاره مصرّحه و هم مکنیه در شعر او فراوان است.

مجد همگر در کنار انواع و اقسام تصویرسازی‌های متداول، با کلمات و حروف الفبا، اصطلاحات شعری نیز تصویرسازی کرده است. او در مبحث قالب‌های شعری نیز صاحب ابتکاراتی است که بعضی از آنها خاص خود اوست و در جایی دیگر دیده نشد. او صاحب یکی از قدیم‌ترین قصیده‌های موشّح و نیز دارای سبکی خاص در معمّاسازی است.

## منابع

آتشکده آذر آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ (۱۳۷۸)، نیمه دوم، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انتشارات امیرکبیر.

المعجم فی معاییر اشعارالعجم، رازی، شمس‌الدین محمد بن قیس (۱۳۶۰)، بتصحیح علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، با مقابله با شش نسخه خطی قدیمی و تصحیح [محمدتقی] مدرس رضوی. تهران: زوار

انواع شعر فارسی، رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، شیراز: انتشارات نوید.  
برهان قاطع ابن خلف تبریزی، محمدحسین (۱۳۶۲)، به اهتمام محمد معین. تهران: امیرکبیر.

بیان، (با تجدید نظر و اضافات)، شمیسا، سیروس (۱۳۷۶)، چاپ هفتم، تهران: فردوس.  
تاریخ ایران، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلیخانان بویل، ج. آ. (۱۳۷۱)، ترجمه حسن انوشه، جلد ۵، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

- تاریخ ادبیات در ایران ، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۳)، ج ۳/۱. تهران: انتشارات فردوسی.
- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری ، نفیسی، سعید، (۱۳۴۴)، تهران: کتابفروشی فروغی.
- تذکره حسینی ، دوست سنبهلی، میرحسین (۱۲۹۲)، کانپور: مطبع منشی نولکشور.
- تذکره الشعراء ، دولت‌شاه سمرقندی، امیر دولت‌شاه بن علاءالدوله (۱۳۱۸)، تصحیح ادوارد براون، انگلستان: دارالفنون کمبریج.
- تذکره عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۸)، مقدمه، تصحیح و تحقیق سید محسن ناجی نصرآبادی، ۷ جلد، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- تذکره روز روشن ، صبا، مولوی محمد مظفر حسین (۱۳۴۳)، به تصحیح و تحشیه محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: انتشارات کتابخانه رازی.
- تلخیص مجمع‌الاداب فی معجم‌اللقاب ابن فوطی، کمال‌الدین ابوالفضل عبدالرزاق بن احمد، (۱۳۷۴)، تحقیق محمد کاظم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جامع مفیدی ، مستوفی بافقی، محمد مفید (۱۳۴۰)، جلد ۳/۱، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات کتابفروشی اسدی.
- خزانة عامره، آزاد بلگرامی، میرغلامعلی بن نوح (۱۸۷۱ م)، کانپور: مطبع منشی نولکشور.
- دیوان ، ذوالفقار شروانی، قوام‌الدین حسین بن علی (۱۹۳۴)، تصحیح و مقدمه ادواردز، لندن: پال کنگال.
- دیوان همگر، مجد (۱۳۷۵)، به تصحیح و تحقیق احمد کرمی، تهران: انتشارات ما.
- کلیات سبک‌شناسی ، شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، تهران: نشر میترا .
- لطائف‌الطوائف ، صفی، مولانا فخرالدین علی (۱۳۳۶)، با مقدمه و تصحیح و تحشیه و تراجم اعلام بسعی و اهتمام احمد گلچین معانی، تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکاء.
- لغت‌نامه ، دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، تهران: مؤسسه لغت‌نامه.
- مجدالدین همگر ، نفیسی، سعید (۱۳۱۴)، مجله مهر، سال دوم، شماره ۱۱، ص ۱۱۱۷-۲۳ .
- نوعی تشبیه در ادب فارسی (تشبیه حروفی)، حاجیان‌نژاد، علی‌رضا (۱۳۸۰)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۰، شماره ۱۶۰، صص ۳۸۷ تا ۴۰۲.
- هفتاد سخن خانلری، پرویز (۱۳۶۷)، تهران: توس.